



Political thoughts in ancient Iranian political texts

Nafise Firouzi¹ | Sina Forozesh^{2*} | Amirteymoor Rafiei³

Abstract

Iranians have a great tradition of political thought that has its roots in the ancient period. The ancient era, which is from the rule of the Medes (708 BC) to the rule of the Sassanids (651 AD), is influenced by the historical past in the field of political thought and religious beliefs. According to Iranian mythology, the first man is also the first king. Therefore, the history of Shahi's thought in Iran is related to the beginning of creation, and since then it can always be examined in different layers of the political and social life of Iranians. Shahi's thought has such a base in Iran's political culture that it can be mentioned as the axis of all political developments and even most social phenomena are somehow related to it. The emergence of Zoroaster, who was considered a religious revelation, added new political and social approaches based on his teachings to Iranian beliefs. Therefore, the recognition and criticism of political ideas in ancient Iran requires the study and analysis of political texts in ancient Iran. The current research method was carried out using the historical method and in a descriptive and analytical way, and the three main research questions were answered. The results of the research show that, in this era, politics is based on the absolute obedience of subjects to the ruler and any disobedience and disobedience is considered a kind of religious and ethnic deviation. According to the political texts, as the political thought is rooted in the worldview of Zoroastrian religion along with components such as Shah, Farah Yazidi, Nasab, urban Iranian politics, the components of political thought are also rooted in the worldview of Zoroastrian religion and taken from Vandidad, Avesta, Yashta, Khorde Avesta representing "Shah" who was the main force in the political arena of ancient Iran and the whole political matter was organized in the society around him.

Keywords: : political ideas, ancient Iran, Vendidad, Avesta, Yashta, Khorde Avesta.

1. PhD student in History, Islamic Azad University, Faculty of Literature and Humanities, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

2. Corresponding author: Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.
Email: sinaforouzesh@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Islamic Azad University, Alborz, Iran.





مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۶
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۸/۱۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۸
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۲۸

شابا چاپی: ۱۰۲۵-۵۰۸۷
الکترونیکی: ۲۶۵۴-۴۹۷۱



اندیشه‌های سیاسی در متون سیاسی ایران باستان

نفیسه فیروزی^۱ | سینا فروزش^{۲*} | امیر تیمور رفیعی^۳

چکیده

ایرانیان برخوردار از سنت بزرگ اندیشه سیاسی هستند که ریشه در دوره باستان دارد. دوران باستان که از فرمانروایی مادها (۷۰۸ پ.م) تا فرمانروایی ساسانیان (۶۵۱ م) است، در حوزه اندیشه سیاسی و باورهای دینی و مذهبی تحت تاثیر دوران پیشین تاریخی است. بر اساس اساطیر ایرانی، نخستین انسان اولین پادشاه نیز هست. از این رو تاریخ اندیشه شاهی در ایران به آغاز آفرینش مربوط می شود و از آن پس همواره در لایه های مختلف زندگی سیاسی و اجتماعی ایرانیان قابل بررسی است. اندیشه شاهی از چنان پایگاهی در فرهنگ سیاسی ایران برخوردار است که می توان از آن به عنوان محور همه تحولات سیاسی یاد کرد و حتی اغلب پدیده های اجتماعی نیز به نوعی با آن مرتبط هستند. ظهور زرتشت که وحی دینی به شمار می رفت، رویکردهای جدید سیاسی و اجتماعی مبتنی بر آموزه های او را به باورهای ایرانیان افزود. بنابراین شناخت و نقد اندیشه های سیاسی در ایران باستان نیازمند بررسی و واکاوی متون سیاسی در عهد باستان ایران است. روش پژوهش جاری با استفاده از روش تاریخی و به شیوه توصیفی تحلیلی انجام شده و به سه سوال اصلی تحقیق پاسخ داده شده است. نتایج پژوهش نشان می دهد، در این دوران، سیاست به معنای تبعیت مطلق رعیت از حاکم استوار است و هرگونه نافرمانی و بی تبعیتی، نوعی انحراف دینی و قومی تلقی می شود. با توجه به متون سیاسی چنانکه اندیشه سیاسی ریشه در جهان بینی دین زرتشتی همراه به مولفه هایی مانند شاه، فره ایزدی، نسب، سیاست ایران شهری قابلیت بررسی دارد، مؤلفه های اندیشه سیاسی نیز ریشه در جهان بینی دین زرتشت داشته و برگرفته از وندیداد، اوستا، یشتها، خرده اوستا به نمایندگی «شاه» که اصلی ترین نیروی عرصه سیاسی ایران باستان بوده و کل امر سیاسی را در جامعه پیرامون او سامان دهی شده است.

کلیدواژه‌ها: اندیشه‌های سیاسی، ایران باستان، وندیداد، اوستا، یشتها، خرده اوستا.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

۲. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

Email: sinaforouzes@ gmail.com

۳. استادیار، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، البرز، ایران.



© نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

اندیشه سیاسی در ایران پیش از اسلام را می‌توان در سه مرحله و سه دسته مضامین و منابع مشخص کرد:

اسطوره‌های قبل از زرتشت؛

حماسه‌ها و دوره تاریخی کیان و هخامنشیان؛

اسطوره‌های زرتشتی و آیین‌های مذهبی دوره ساسانیان.

مرحله اول که از سالها پیش با کوچ آریایی‌ها به فلات ایران آغاز شد و تا اصلاحات دینی زرتشتی ادامه یافت، در این دوره پایه‌های دینی ادیان هندی و ایرانی در اسطوره‌های آن عصر شکل گرفت و روشنفکر مشرک، منظومه و مشخص کردن نیروهای طبیعت از ویژگی‌های اصلی دین و اعتقاد اقوام آریایی، هند و ایرانی. اندیشه سیاسی در پژوهش تاریخی می‌تواند با دوری و نزدیکی در دوره‌های گوناگون تاریخی همراه با اخلاق، آزادی، حقوق، ارزشهای انسانی و عدالت اجتماعی مورد بررسی و سنجش و ارزیابی قرار گیرد. قابل ذکر است که دیگر سازمان‌های اجتماعی در ایران باستان مانند مذهب و اقتصاد و عدلیه و فرهنگ نیز توأم با سیاست، و نه جداگانه، باید مورد بررسی قرار گیرند تا شناخت و سنجش ماهیت و کارکرد نهاد سیاست و سامانه‌های مرتبط به آن در ایران و خاور میانه باستان باشد تا بتواند فهم و تحلیل بسیاری از پدیده‌ها، روندها و تحولات تاریخ ایران پس از اسلام را به طور کامل روشن سازد؛ در شرایطی که هر روز با اثر جدیدی در زمینه تاریخ اندیشه بیگانگان روبه‌رو هستیم متأسفانه نسل امروز ما هنوز منابع درخوری برای آشنایی با اندیشه گذشتگان و سازندگان هویت تاریخی و ایرانی خویش در اختیار ندارد و غالباً از ریشه و پیشینه خود بی‌اطلاع است؛ تا آن جا که می‌بینیم حتی برخی از فارسی‌نویسان به تقلید از نویسندگان غربی سیر اندیشه در فلسفه و علوم را پس از دوره یونان و روم باستان در دوره مسیحی و سپس در دوره مدرن دنبال می‌کنند و به یک‌باره دوره‌های تاریخی مهمی که مرکز ثقل علوم مختلف عقلی و تجربی در این سرزمین بوده و دانشمندان ایرانی که نقش موثری در شکوفایی علوم داشته‌اند در اکثر موارد به دست فراموشی سپرده‌اند. در این میانه شاید سرنوشت اندیشه‌های سیاسی اسف‌بارتر از شاخه‌های دیگر علوم باشد؛ همین امر زمینه‌ساز

برخی پیش‌داوری‌های ناروا نسبت به تطور تاریخی اندیشه سیاسی ایرانیان پیش از اسلام و بالندگی‌های آن گردیده است. لذا ارائه یک پژوهش تاریخ اندیشه سیاسی، احیای متون تاریخی و مذهبی را وجهه همت خود قرار داده‌ام. متأسفانه این تفکر امروزه مطرح است که اندیشه‌ها و حتی آثار مکتوبی که از قدرت، شرایط اجتماعی و رویکرد‌های دینی در ایران باستان روایت می‌کنند، فاقد ایدئولوژی، اندیشه و تفکر سیاسی است. ولی ما با بررسی تاریخ سیاسی به دنبال نقش تفکرات و اندیشه‌های سیاسی باستانی در قدرت، جایگاه عدالت، مشورت، نقش دین، رویکردهای اجتماعی، فره ایزدی هستیم.

مبانی نظری اندیشه سیاسی

شاه

اگر به تحولات اندیشه سیاسی بدور از روایت تاریخی و ارزش‌گذاری‌های دموکراتیک امروزی به فضای گفتمان سیاسی عصر دولت شاهی گذشته در آریانا نگاه شود، اندیشه شاهی در جهان آن روز و مبتنی بر جهان بینی آن روز هم معقول است و هم کارآمد تلقی می‌گردید. «در مرکز بحث اندیشه سیاسی فرهی شاه قرار دارد. بدین ترتیب شاه مستبد نیست، زیرا استبداد زیر پا نهادن حق دیگری است» (پیرنیا، ۱۳۸۰: ۲۸۱). شاه بدون رقیب و به این دلیل بالاترین مقام آمریت به او واگذار شده است. و داشتن بالاترین اختیار و آمریت عالی به مفهوم داشتن اختیار مطلق نیست؛ نقش وی پدر ملت بودن است و همانطور که پدر قادر نیست خود سرانه فعال ما پناه باشد. شاه نیز حق ندارد مستبدانه عمل کند. شاه آرمانی همانطور که در اندیشه افلاطون به عنوان فیلسوف شاه قابل قیاس است، در اندیشه سیاسی فرهی نیز قدرت یعنی جوهر سیاست، با آئین و فره، یعنی نماد حقیقت، در آمیخته است. ولی صرف نظر از این مباحث چه عوامل و دلایل نظری عملی میتوان ارائه نمود که از مستبد بودن، خودکامه بودن و خودکامه عملکردن و ستم روا داشتن شاه ممانعت شده رفتار وی تعدیل گردد. خداوند با تمام قدرت و اختیاری که دارد اما مستبد نیست چون شریک و مانند ندارد زیرا از همه بالاتر است روی همین نماد قدرت برتر ایرانیان نیز از نظر سیاسی چنین مقامی برای شاه قایل بودند، گرچه چنین قیاسی در عمل و حقیقتاً هیچ موضوعیت

ندارد. اما سعی در همگونه بودن و نوعی شبیه بودن را در عمل نشان می‌دادند. اما در واقع خود کامگی و ستم شاه را چنین تعدیل می‌داشتند.

الف) محدودیت ساختار فکری: مرکزیت داشتن اندیشه خیمهای مبتنی بر اشته و یا نظم مقدس به سادگی میتواند بر قدرت و خود کامگی شاه تاثیر میگذارد نه تنها همه، یا لاقلاً اکثر مردمان آن زمان، به جهان بینی خیمهای اعتقاد داشتند شاهان نیز قبول داشتند و لذا هیچ یک از شاهان جرأت و جسارت ادعای منیبت را نداشتند (رجائی، ۱۳۹۰: ۱۲۲).

ب) محدودیت ساختار سیاسی: در اوستا عدم تمرکز و یا پراگندگی شاهی مورد توجه قرار گرفته است. شکل حکومت به طوری که از اوستا دانسته میشود، پراگندگی (ملوک الطوایفی) بود. واحد کوچک تشکیل دهنده جامعه خانواده بود. روسای خانوادها، رئیس ولایت نیز انتخابی بود. چون چندین اقوام در زیر اداره یک شخص واقع می‌شدند و او را شاه بزرگ می‌خواندند. از سوی دیگر، عامل جامعه شناختی محدود کننده قدرت شاه این پدیده بود که: اولاً تعریف تفسیر چارچوب نظری عملاً در اختیار شاه نبود و ثانیاً حوزه قضاوت به تدریج در اختیارات اربابان تخصص با عنوان‌های چون "سخنگویان قانون" و "آئین بد" قرار گرفت. امرا و پادشاهان محلی از شاه بزرگ اطاعت میکردند. اقتدار شاهان محدود بود ولی بعدها به واسطه آن که در موقع جنگ فرماندهی را نیز عهده دار بودند به اختیارات خود افزودند در عمل نیز عدم تمرکز سیاسی جاری و ساری بود. مثلاً در دوره هخامنشی، کشور در اختیار ساتراپها بود (رجائی، ۱۳۹۰: ۱۲۵).

پ) محدودیت ساختار اجتماعی: تأکید بسیار بر تقسیم کار و خویشکاری اقشار مختلف در نزد هر یک از اقشار به تناسب حوزه کار آنها موجب انباشت قدرت، سرمایه، اطلاعات و امکانات می‌گردد و همین باعث میشد که گاه پادشاه برای حفظ خویش، یا حل و فصل مشکلاتش به آنها متوسل شود. شاه اختیار ندارد خود را بالاتر از آن بداند و به بهای قدرت دنیایی و ثروت آن را تغییر دهد. از طرفی، صرف نظر از بنیاد نظری مبنی بر جهان بینی خیمهای، قدرت طبقات به دلیل جامعه شناختی نیز، که همانا قدرت انباشت شده در هر طبقه باشد، به آن امکان نفوذ و تاثیر می‌دهد (رجائی، ۱۳۹۰: ۱۲۷).

فره ایزدی

در شناخت سنن ایران باستانی مشروعیت بخش بایستی بیش از هر چیز به مفهوم فره توجه کرد، زیرا که عمق آن در اندیشه ایران باستان است. در سنت ایران باستان، مفهوم فره و شناخت ابعاد آن به شناخت ساختار اندیشه سیاسی و رابطه خدا، انسان و مردم کمک می نماید. فره نمایانگر خصوصیتی است که یک پادشاه برای جلب رضایت خداوند داراست، بدون این ویژگی ها حکومت پادشاه نامشروع خواهند بود. در تصاویر زرتشتی، فر بودن با وجود هاله ها یا هاله های عرفانی در اطراف سر شاه مطرح می شد که بعدها توسط ادیان ابراهیمی برای نشان دادن معنای تقدس به کار میرفته است. فر در اندیشه سیاسی ایران باستان نشان دهنده رابطه خدا یا به قول ایرانیان باستان اهومزدا با جهان انسان بوده است (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۱۴). ایرانیان از دیرباز اعتقاد داشتند که شاهی در یک خانواده پایدار مانده و نسب در رسیدن به تخت شاهی نقشی اساسی داشت. طبری می نویسد که «پارسیان جز اعقاب فریدون را به شاهی نشناسند و پندارند اگر کسی به غیر آن ها به شاهی رسیده به ناحق بوده» (طبری، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۸۸).

سیاست ایران شهری

اصل وجود ایران شهر قابل انکار نیست و مهم دستیابی به قرائتی واقع بینانه تر از آن می باشد. به نظر می رسد که بتوان ده مؤلفه را برای ایران شهر در نظر گرفت: یکم، اهمیت و جایگاه شهر و به طور کل جامعه شهری و مدنی؛ دوم، وجود سطح مناسبی از انسجام سیاسی در سرزمین پهناور ایران در عین تنوع و تکثر پذیرفته شده؛

سوم، عنایت به دیوان گستری و تولید قواعد پیشرفته عقلی برای آن؛ چهارم، جامعه طبقاتی، که البته در عین انضباط بخشی به جامعه آن روزگار، به مثابه نقطه مقابل عدالت، از مؤلفه های منفی ایران شهری محسوب می شود؛ پنجم، گرایش به علم و تکنیک، که آثار باستانی به جامانده آن را کاملاً تأیید می کنند؛ ششم، عنایت ویژه به هنر و معماری و پیوند آن با علم و تکنیک، که باز آثار باستانی به جامانده آن را کاملاً تأیید می کنند؛ هفتم، میل به آبادانی و تشکیل شهرهای بزرگ، که جزء ویژگی های

اکثر تمدن‌های بشری می‌باشد. البته، این واقعیت با وسعت و غلبه زیست روستایی در ایران باستان منافات ندارد؛ هشتم، گرایش به تعاملات فرهنگی - تمدنی، که شواهدی از آن در آثار باستانی به جامانده وجود دارد. این گرایش هم سرزمینی است و هم فراسرزمینی، و حتماً در رشد تمدنی ایرانیان، و متقابلاً در رشد سایر تمدن‌های هم‌جوار، نقش آفرین بوده است؛ نهم، بهادادن به قدرت دفاعی - تهاجمی، که البته با ملاحظه نقش قابل توجه فرهنگ و دین و معنویت در ایران‌شهر، باید جنبه دفاعی را اصل در نظر گرفت؛ هرچند در تاریخ ایران باستان، گزارش‌های تهاجمی، هم به قصد پیشگیری از تعدی بیگانه و هم با هدف سرزمین‌گشایی، کم نیستند؛

دهم، دین‌گرایی اکثر ایرانیان و دینی‌بودن بیشتر نظامات سیاسی ایران باستان، که البته دین — که منظور از آن دین زرتشت است — مصون از تحریف و قدرت‌طلبی اربابان معابد نبوده است (تقوی، ۱۳۸۰: ۶).

نسب

حکومت‌های مختلف ایران در دوران باستان، با توجه به اهمیت موضوع مشروعیت نسبی در اندیشه سیاسی، کوشیده‌اند از دو عنصر دین و نسب به عنوان مبنای مشروعیت و عوامل تحکیم قدرت خود استفاده کنند. کوروش پس از فتح بابل و ورود به آن سرزمین، سعی کرد پسر محبوب مردوک را پروردگار بابل وانمود کند و به این ترتیب بین رعایا و خدایان بابلی جایگاهی میانجی پیدا کرد (فروه‌وشی، ۱۳۷۴: ۵۲). در کتیبه بیستون که بزرگ‌ترین سنگ‌نشته‌ی جهان به شمار می‌رود، از حوزه اندیشه سیاسی داریوش اول هخامنشی را منعکس نموده این بوده: «به خواست اهورا مزدا من شاهم، اهورا مزدا شاهی را به من هدیه فرمود» (حکمت، ۱۳۵۰: ۴۱). پس از سقوط شاهنشاهی هخامنشی، به نظر می‌رسد شاهزادگان و بازماندگان این سلسله توانستند به طور نیمه مستقل به حیات سیاسی، اجتماعی و مذهبی خود در این سرزمین که تا حدودی از مرکز حکومت اشکانی دور بود، ادامه دهند (پوتز^۱، ۲۰۰۸: 207-235). طبق اطلاعات به‌دست آمده از سکه‌هایی به یادگار مانده از پادشاهان محلی که به خط آرامی تحریر شده‌اند، شهریاران خود در این ایالت فرترکه (والی) شناخته می‌شدند (پوتز، ۲۰۰۷: ۲۳۵؛ کریستین سن، ۱۳۶۷: ۱۰۵). سری اول این مسکوکات به جامانده متعلق دوره سلوکیان و آخرین سری آن به قرن اول و دوم قبل از میلاد است (دیاکونوف، ۱۳۸۲: ۲۸۸؛

1 Potts

یارشاطر، ۱۳۶۸: ۳/۲۱۸). خاندان های ساسانی به عنوان متولیان دین در فارس نیز از خاندان های بانفوذ محلی بودند که با استفاده از موقعیت موجود و برقراری پیوند سببی با خانواده بازرنگی ها، توانستند تخت پادشاهی را به چنگ آورند (نصرالله زاده، ۱۳۸۴: ۱۸۱؛ ایمان پور، ۱۳۶۹: ۲۱۱-۲۱۸؛ جلیلیان، ۱۳۸۷، فصل اول). ساسان، جد اردشیر سرپرستی آتشکده و معبد آناهیتا را در استخر به عهده داشت. وی با ازدواج با دختر خاندان بازرنگی که از حاکمان پارسی بود، موقعیت ممتازی در پارسی به دست آورد (نصرالله زاده، ۱۳۸۴: ۵۳؛ ایمان پور، ۱۳۶۸: ۹۲-۱۰۰، جلیلیان، ۱۳۸۷، فصل اول). اردشیر نیز که خود یک روحانی بود و عنوان «الموید» و «الجامع» را داشت (مقدسی، ۱۳۴۹: ۱۳۴/۳)، او سعی کرد حکومتی متمرکز بر اساس دین زرتشتی ایجاد کند و رهبری آن را بر عهده داشت. در واقع اردشیر با آگاهی از شرایط سیاسی-مذهبی کشور و با توجه به جایگاه و شخصیت دینی خود و استفاده از مفاهیم دینی، از همان ابتدا شعار خود را بر «همزیستی دین و دولت» و ایجاد یک مرکز متمرکز و حکومت توحیدی مبتنی بر دین زرتشتی قرار داده بوده و وی به این نتیجه رسیده که این سیاست منجر به همکاری گسترده روحانیون به ویژه روحانیون وابسته به محافل مذهبی جنوب غرب ایران شده است (عباس، ۱۳۴۸: ۷۰). تنسر از جمله روحانیونی بود که در راستای اهداف مورد نظر خود تلاش مستمر داشت (مینوی، ۱۳۵۴: ۷-۸؛ مسعودی، ۱۳۶۷الف: ۲۴۲؛ مسعودی، ۱۳۶۷ب: ۹۳؛ ایمان پور، ۱۳۶۸: ۱۲۸-۴۱؛ ایمان پور، ۱۳۶۹: ۲۱۱-۲۱۸). کسب مشروعیت به واسطه نسب در اندیشه سیاسی ایران باستان، باید گفت که حکومت های دوره باستان از پیوند با خاندان های کهن و یا نسبت خانوادگی هم استفاده کرده اند زیرا در منابع می خوانیم: مشروعیت هر پادشاه به خویشاوندی نسبی او با پادشاه قبلی بستگی دارد (یار شاطر، ۱۳۷۳: ۵۱۵-۵۱۴). درباره ظهور اردشیر، بنیادگذار پادشاهی ساسانی نیز داستان هایی همانند داستان های پادشاهی کوروش هخامنشی ساخته و کوشیده اند نسب اردشیر به آخرین پادشاه ایرانی قبل از اسکندر؛ یعنی داریوش هخامنشی برسانند. بر پایه برخی از روایات پارسی، نسب ساسان، نیای اردشیر به اردشیر درازدست هخامنشی می رسد. ساسانیان از آغاز سلطنت خود، در پی جعل داستان دیگری بودند تا با منسوب کردن شاپور (پسر اردشیر ساسانی) از سوی مادرش به اردوان اشکانی، سلاله جدید را دنباله سلسله گذشته بنمایند (رحیم لو، ۱۳۶۹: ۵۹۴-۵۹۵). ساسانیان بر این عقیده بودند که وارثان امپراتوری پهناور امپراتوری کیانیان هستند، که اسکندر آن را تجزیه و غارت کرد و اشکانیان آن را بد اداره می نمودند (یار شاطر، همان:

۵۲۰؛ مشکور، ۱۳۶۳: ۲۹۵ و ۳۰۴). پدر اشک و تیرداد، پسر اردشیر دوم هخامنشی بوده است (مشکور، همان: ۳۳۴). ساسانیان هم مانند اشکانیان از هر دو عنصر برای کسب مشروعیت حکومت داری به واسطه نسب بهره بردند (مسعودی، ۱۳۶۵: ج ۱: ۲۴۳). بنابراین در ایران باستان افزون بر منبع دین و فره ایزدی، نسب از مهمترین منابع در تبیین نقش اندیشه سیاسی به شمار می رفت.

منابع سیاسی

ایده‌های زردشت در کتاب مشهور اما از میان رفته‌ای به نام اوستا درج شده است که در پنج بخش تقسیم می‌شود. ۱) یسنا: کهن ترین بخش اوستا است به معنی ستایش و پرستش است. یسنا از ۷۲ بخش تشکیل گردیده است، گات‌ها که سخنان خود زردشت است نیز بخشی از این را شامل می‌شود. شیوه بیان گات‌ها نوعی نظم و شعر است و همین باعث شده است که گفته شود گات‌ها کهن دفتر یا دیوان شعر ایرانی است. ۲) یشت‌ها: طولانی ترین بخش اوستا است به معنی نیایش و ستایش ویژه ایزدان و امشاسپندان است، یشتها شامل بیست و یک بخش است و هر یک از بخش‌ها را یک یشت می‌خوانند هر یشت به جای خود از اجزای تشکل شده که هر یک را کرده می‌خوانند و هر کرده از چند بند بوجود آمده است. ۳) ونیداد: شکل تحریف شده‌ی از اصطلاح اوستایی وی دئودانات یعنی قانون ضد دیو که منظور از دیو خدایان آریایی پیش از زردشت بود که بعداً از اعتبار افتیدند. بدین ترتیب ونیداد مجموعه از قواعد و مقرراتی است که برای نظم دادن زندگی فردی و اجتماعی در چارچوب آموزه جدید صورت بندی شد. ونیداد در واقع شریعت زردشتی یا فقه زردشتی است. ۴) ویرت: از دو کلمه ویپ و رتو ساخته شده به معنی سروران است. انتخاب اصطلاح بدین دلیل است که این بخش خاص ستایش آهورامزدا است. ۵) خرده اوستا: گزیده‌ای از تمام اوستا است که در دوره سامانی بلاخص در دوره شاهپور دوم توسط آزر یار مهر اسپندان موبدان آن دوران فراهم آمد تا بسادگی در دسترس شهروندان قرار گیرد (عنایت، ۱۳۸۵: ۷۰). زردشت تمنای بروز یک رهبر قدرتمند را دارد که ظهور کند و با برقراری نظم کشاورزی استوار تر به تحول جدید کمک کند. و زندگی و جامعه جدید بر اساس کشاورزی را سروسامان بخشد. زردشت اعلام می‌کند که هر کس نمی‌تواند نهاد شاهی را در اختیار داشته حکومت کند. در خرده اوستا چنین آمده است: باید شهریار را سزاوار آهورامزدا دانست که بهتر از هر کسی شهریای کند.

مطابق آئین زردشت دو نیرو در گیتی با هم در نبردند، یکی نیروی اِشه (یا ارته که حق و راستی است) و دیگری نیروی دروج (یا دروغ و باطل) از دیدگاه سیاسی اِشه همیشه در جانب جوامع صلح طلب و آرام و سرگرم کارهای سودمند شبانی و کشاورزی و دروج همواره پشتیبانی قبایل دشت نورد و غارتگر و زیارتگاه است. در نبرد، پیروزی نهایی با اِشه است. (عنایت، ۱۳۸۵: ۷۷)

آنچه اندیشه پادشاهی را تقویت نمود رواج اندیشه یکتا پرستی بود که توسط زردشت صیقل خورد. خداوند واحد که به نام آهورامزدا از خصائص خاص برخوردار است و بر کل عامل تسلط دارد. مهمترین ویژگی وی این که بر کل وجود دائر و مدیر است. همانگونه که آهورامزدا بر جهان قدسی نظم میبخشد، یک قدرت متمرکز باید در زمین نظم و امنیت برقرار کند. آئین زردشت به آزادی اراده و آزادکامی انسان اعتقاد دارد. هر انسان دیر یا زود در زندگی خود با مسأله انتخاب نیکی یا بدی روبرو میشود و باید از میان دو دین، یعنی دین راستین که زردشت بر انسان آشکار کرده و دین دروغین که معاصرانش از نیاکان خود به ارث برده اند، یکی را برگزیند. زردشت در عین اعتقاد به اصل آزادی اراده می‌داند که بشر به رهبری و راهنمایی نیاز دارد تا از فریب و فتنه اهریمن در امان بماند. آخرین جنبه دین زردشت که دارای اهمیت سیاسی است عقیده آن در باره قدرت شهریاران است. زردشتیان معتقدند که دین و شهریاری دو برادرند که هیچ یک بر دیگری نتواند زیست. دین بنیاد شهریاری است و شهریاری، پاسدار دین. هر چیزی که بنیاد نداشته باشد تباه میشود و هر چیز که از پاسدار خود محروم بماند نابود می‌گردد. قدرت سیاسی در جامعه سالم دارای شش درجه است: نخست مانبد یعنی نگهبان یا پدر خانواده، دوم ویسبد یعنی رئیس دهکده، سوم زندید یعنی رئیس قبیله، چهارم دهبند یعنی رئیس ایالت، پنجم زرتشترتوم یعنی بالاترین مقام روحانی که نماینده زردشت بر روی زمین است و ششم شاهنشاه که از همه این درجات برتر و فرمانروای سراسر گیتی است. بدین سان میان دین زردشتی و نظام اجتماعی رابطه نزدیک وجود دارد، در حالی که دین هرگز فساد نمی‌پذیرد، دولت یا قدرت شهریاری فساد پذیر است، پس شهریار باید با پیروی از دستورات دین خود را از گمراهی مصئون دارد. (عنایت، ۱۳۸۵: ۷۹ - ۸۰). وندیداد یکی از نوشته های اوستایی است که در کنار دیگر ادبیات اوستا به نام های یسنا، یشته ها، ویسپرد و خرده اوستا جای دارد. این نوشته هر چند به خط و گویش اوستا نگارش شده ولی بسیاری از بخش های آن با اندیشه و فلسفه زرتشت، پیام آور

ایرانی هماهنگی ندارد. وندیداد همچون کشکولی ازدانش، آگاهی و باورهای ایرانیان است که از گذشته‌های دور به تدریج از تاریخ، باورها، سنت‌ها و فرهنگ اجتماعی مردم ایران واقوام گوناگون این سرزمین گردآوری شده است. این نوشته از آموزه‌های گوناگونی درباره تاریخ و جغرافیای سرزمین پهناور ایران باستان و قوانین ویژه بهداشتی، درمانی، مدنی، کیفری، پزشکی، دامپزشکی و دانش‌های دیگر سخن گفته است. این احکام و قوانین از زمان‌هایی بسیار دور پیش از پیام آوری زرتشت در میان اقوام گوناگون ایرانی متداول بوده و کاربرد داشته است. واژه وندیداد پارسی شده واژه "وی دَاوَه دَاثَه" اوستایی (وی دیو داد) یعنی قانون ضد دیو است. در یسنای هفتاد و یک بند پنجم و یسنای بیست و پنج، بند ششم و سروش یشت هادخت از دو قانون به نام "داتام ویدی وام" به معنی قوانین ضد دیو که همان وندیداد است و "داتام زَرَه توشتریم" یعنی داد زرتشت یا قانون زرتشتی نام برده شده است که قوانین نخستین را مربوط به زمان پیش از زرتشت و داد بعدی را به زمان پس از آن پیام آور می‌داند. از این روی قوانین وندیداد را نمی‌توان داد زرتشت یا آموزش‌های دین زرتشتی دانست بلکه باید آن را به نخستین گروه‌های آریایی که مخالف دیو پرستی بودند نسبت داد که پیش از پیدایش بینش زرتشت، آنان پیشوای اندیشه و باور مردم ایران بودند. آنها دیوان یا پروردگاران بد را در برابر اهوراها "اهورانیس"، پروردگاران نیک قرا داده بودند. پس از زرتشت با اندیشه او دیو پرستی نکوهیده و کاری ناشایست معرفی شد و به جای آن برای نخستین بار یکتا پرستی سفارش شد و در جهان گسترش یافت. به این ترتیب این گروه نیز به دین زرتشتی در آمدند. از آن پس خود را "مَزَدَه یَسَنو زَرَه توشتریش وی دیو و اهورَه تکه اِشو" یعنی مزدا پرستان زرتشتی، پیروان کیش اهورایی و مخالف دیو پرستی نامیدند. از آثار برجامانده چنین بر می‌آید که مغان قوم ماد با کنجکاوای بسیار و نگرش سیاسی خود، هنگامی که از سوی آیین زرتشت متوجه خطر شدند به زودی خود را از هواداران متعصب دین زرتشت معرفی کردند و از آنجا که مغان در میان اقوام و قبیله‌های ماد آن زمان در جایگاه پیشوای دینی قرار داشته و برگزار مراسم آیینی را خودشان انجام می‌دادند و آن را پُشت درپشت به ارث برده بودند، گرایش آنان به اندیشه زرتشت از نظر برداشت و دید مردم، طبیعی جلوه کرده بود. به این ترتیب سیاست و پیش بینی مغان درست بود زیرا آنان در دین جدید پا گرفته در سرزمین ایران، جایگاه و موقعیت پیشین

خود را همچنان حفظ کردند و به تدریج تمام باورها، سنت ها، آداب و رفتار خود را به نام آموزش های زرتشت به دین تازه وارد کردند (سرفراز، ۱۳۸۱: ۴۶).

پیشینه پژوهش

کتاب «قدرت، نظام پادشاهی و اندیشه سیاسی در شاهنشاهی هخامنشی» با هدف بررسی قدرت، نظام پادشاهی، اندیشه سیاسی، ایدئولوژی و تبلیغات در بطن و متن شاهنشاهی هخامنشی، هشت مقاله از پژوهشگران سرشناس و برجسته این دوره را ترجمه کرده است. این کتاب نوشته اریکا ارنبرگ و دیگران با ترجمه علی اصغر سلحشور بوده که از سوی نشر آریارنا منتشر شده است. مترجم این کتاب با هدف بررسی قدرت، نظام پادشاهی، اندیشه سیاسی، ایدئولوژی و تبلیغات در بطن و متن شاهنشاهی هخامنشی، هشت مقاله از پژوهشگران سرشناس و برجسته این دوره را ترجمه کرده است. این مقالات به دقت برگزیده شده تا جنبه های گوناگون قدرت مانند تبلیغات، ایدئولوژی، (تساهل و تسامح) پارسی، پارسی گرایی، نظام پادشاهی و اندیشه سیاسی را به خواننده بشناسانند.

کتاب اندیشه هاسی سیاسی ایران باستان شجاع احمدوند، روح الله اسلامی که انتشارات سمت منتشر کرده است. این کتاب با تکیه بر روش شناختی «جان مارو» و با تمرکز بر چهار پرسش پایان امر سیاسی، حاکمیت کیست، محدودیت های اعمال قدرت و حق اعتراض به حاکمیت، به نقد و بررسی ساختار اندیشه سیاسی در ایران قبل از اسلام می پردازد. نگاهی اجمالی به مکاتب، اندیشمندان و متون سیاسی ایران باستان دارد. کتاب عمدتاً متن محور است و بر اساس اسطوره ها، کتیبه های هخامنشی و آثاری چون اوستا، ارداویراف نامه، احد اردشیر، نامه تنسر، کارنامه اردشیر بابکان و کتیبه های کارتیره، منابع به جا مانده از ایران باستان را با نگاهی انتقادی تحلیل کرده است.

کتاب اندرزنامه نویسی در ایران باستان نسرین اصلانی هم توسط نشر اندیشه احسان منتشر شده است که در دو بخش به بررسی اوضاع اجتماعی سه دوره ی باستانی هخامنشی، اشکانی و ساسانی پرداخته و اجرای درست آداب و رسوم دینی، شیوه ی مملکت داری، راست گویی، درست کرداری در تجارب پیشینیان در تعالیم دینی ایران باستان مورد بررسی قرار گرفته است. محمودرضا کوه کن (۱۳۹۵) در مقاله خویش با عنوان: «بررسی تأثیر یکتاگرایی آیین زرتشت بر

تفکر سیاسی در ایران» به دنبال این پرسش است که تفکر سیاسی در ایران تا چه میزان متأثر از نوآوری‌های خلاقانه زرتشت پیامبر بوده است. روح اله اسلامی شعب جره، وحید بهرامی عین القاصی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «پدیدارشناسی سیاسی فره در اوستا و شاهنامه» تلاش کرده‌اند؛ ایشان با روش پدیدارشناسی تطبیقی، این مفهوم را در دو متن اوستا و شاهنامه فردوسی مورد بررسی قرار دادند تا به ماهیت و چیستی و چگونگی آن پی ببرند و همجواری و جدایی این پدیده کلیدی سیاسی را در این دو کتاب بررسی کنند. بازخوانی این مفهوم در این دو منبع بنیادی اندیشه ایرانی خواهد توانست تا زوایای دیگری از مفهوم فره را آشکار نماید. سید اصغر محمود آبادی، لیلا نیریز (۱۳۹۱) در مقاله با عنوان «اندیشه‌های سیاسی در متون مزدایی متاخر»، به دنبال این مهم‌اند که آثار دینی تا چه حدود از اندیشه‌های سیاسی برگرفته شده و جهت‌گیری‌های خاصی را در فرایند تقویت بنیه‌های ملی و سیاسی ایرانیان فراهم کرده است. البته باید بیان داشت که متون مزدایی از اهمیت سیاسی عاری نیست و حتی برخی از متون همچون دینکرد که واپسین دانشنامه زرتشتی در عصر اسلامی بوده که از تأثیر بی‌چون و چرا فلسفه اسلامی نیز خالی نباشد و سعی داشته شرایط موجود را به هر حال مورد توجه قرار دهد. شجاع احمدوند (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «منظومه‌های معنادار پشتیبان حکومت آرمانی در اندیشه سیاسی ایران» به بررسی حکومت آرمانی در اندیشه سیاسی ایران در سه دوره و نظام‌های معنایی پراخته است و حکومت آرمانی در هر سه دوره مبتنی بر تلفیق دین و دولت بود، اما در دوره باستان نظم سیاسی منعکس‌کننده نظم و درگیری کیهانی بوده است. نظام سلطانی در دوره میانی انعکاسی از نظم حاکم بر هستی و جلوه‌ای از رابطه واجب - ممکن در عالم هستی بود که در قالب رابطه واجب - ممکن عرصه سیاسی (سلطان) باز تولید شده است.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق این پژوهش تحلیلی و توصیفی است. شیوه و ابزار جمع‌آوری مطالب الگوها برگرفته شده از مطالعات اسنادی و بررسی‌های کتابخانه‌ای و فیش‌برداری از منابع علمی به جای مانده از دانشمندانی بوده که در خصوص دوران ساسانی فعالیت داشته‌اند، می‌باشد.

سؤال پژوهش

مبانی اندیشه سیاسی بر اعمال قدرت شاهان ایران باستان، شیوه حکومت داری و ارتباطات سیاسی در متون سیاسی ایران باستان چگونه اعمال شده است؟

یافته‌های پژوهش

شکل‌گیری اندیشه سیاسی در ایران

نخستین جریان که بصورت دقیق تسلط شان را اعمال نمودند مادها بودند. مادها در سرزمینی می‌زیستند که از شمال به رود ارس، از شرق به کویر و از جنوب و مغرب به کوه‌های زاگروس محدود می‌شدند. قوم ماد از قبایل و گروه‌های متعددی فراهم می‌آمدند که همگی از قرن هشتم پیش از میلاد تحت اقتدار حکومت سازمان یافته بودند (عنایت، ۱۳۸۵: ۲۷). جامعه ماد از عناصر زیر تشکیل شده بودند. ۱) کارا به معنای مردم و هم چنان سپاهیان است. در واقع ارتشی بود که همه افراد آزاد سرزمین ماد در آن شرکت می‌نمودند. ۲) کورتش عنوان مشترک کارگران و کارکنان گوناگون بوده است و کورتش به سه دسته تقسیم می‌شدند: یک گروه پیشه‌وران و بیگانگان؛ دو کارکنان دستگاه اقتصادی سلطنتی که به کارهای ساختمان مشغول بودند؛ سه کارکنان کشاورزی که حد متوسط مزد شان بالاتر از گروه‌های دیگر بودند. ۳) مغان و موبدان یا مجوسان که رهبری مذهبی را بر عهده داشتند. عناصر بوروکراتیک سازمان دولتی مادها طوری ترتیب یافته بود که پادشاه یا (مانتا) امور مملکت را خود سرانه اداره نمی‌کرد بلکه شورای ریش سفیدان قوم که از بزرگان، یعنی اعیان و اشراف و پیشوایان محلی و خویشاوندان شاه تشکیل میشدند، قدرت او را محدود می‌ساخت. هم چنان دو عنصر دیگر دستگاه دولتی مادها یکی شهر بانان (ساتراپ‌ها) و دیگری ویسپدان که روسای دودمانهای محلی بودند (عنایت، ۱۳۸۵: ۲۹).

الف) همزادی دین و سیاست: مهمترین جنبه بحث از رابطه میان دین و سیاست است زیرا ارتباط این دو حوزه در نزد اریائیان قابل توجه است. و سیاست تابعی است از چارچوب تفکر دینی و شاهان ایران اقتدار و شاهی شان را مرهون خدا بودند. مثلاً در لوحه سنگی که متعلق به ارشام جد کوروش کبیر بود چنین آمده است: «اهورامزدا خدای بزرگ که بزرگترین خدایان است، مرا

پادشاه کرد او به من سر زمین پارس را اعطا کرد. از لطف اهورامزدا این سرزمین را دارا هستم.» دین و سیاست در نظر اندیشه سیاسی ایران باستان از نظر هستی‌شناسانه کاملاً باهم مرتبط و به هم نزدیک اند، مصداق زمینی آنها جایگاه و کارکرد متمایز دارد. یعنی در عرصه گسترده زندگی آدمی دو کارویژه متفاوت دارند که باید تمایز از یکدیگر به کار خود پردازند (رجائی، ۱۳۹۰: ۷۷ - ۸۰) فردوسی به بهترین وجهی این نظر را خلاصه می‌کند.

ب) تمایل به یکتا پرستی: کهن‌ترین و عالی‌ترین خدای نژاد آریائی، آسمان صاف محیط بر عالم به معنی وسیع این واژه است. در زبان سانسکریت به ویژه در ریگ ودا (که قدیمی‌ترین کتاب آریائی به شمار می‌آید) ابتدا دیاووه بود، بعدها به وارون یا وارونه تبدیل شد. هندو آریائیان به واژه دیاووه وارونه اغلب کلمه آسوره به معنی بزرگ و ولی نعمت می‌افزودند. کلمه آسوره در اوستا به آهورا یا اهورا تبدیل شد و جزئی از اسم حضرت باری در سنت زردشتی گردید، یعنی آهورا مزدا که منظور از آن خدای خدایان بود. به تدریج خدایان یا دیوهای دیگر به نیروی اهریمنی و پلید تنزل کردند و لقب دیو گرفتند (رجائی، ۱۳۹۰: ۸۱ - ۸۲).

نقش و جایگاه دین و منابع دینی در ساختار سیاسی

خصوصیات مقدس در نزد ایرانیان اندیشه‌ای عمیقاً استوار بود. ایزد ناهید که همراه با اهورامزدا و مهر مجموعاً دستگاه ایزدان آریایی را تشکیل میدادند و در قدرت سهیم بودند. به علاوه، همانطور که برای شاهان آشوری - بابلی حکومت حاصل نفوذ ستارگان بود، برای پارسیان نیز خدای زمان که بر حرکت ستارگان فرمان میراند، ساعت ظهور شاه جدید را انتخاب میکرد (ایسرائل، ۱۳۸۰: ۲۳۷). بدین ترتیب، شخص شاه تجلی بشریت، نماد حالت برتر کیهانی و حافظ زنده بیشنی بود که به تجدید حیات واقعی جهانی می‌انجامد. شاه از انگیزه معنوی حقیقی پیروی می‌کرد که او را در چارچوب‌های اجتماعی و سیاسی به حراست از مذهب سوق می‌داد. البته به زعم او، کلید جهان نه در آیینهای مذهبی بلکه از پادشاهی نشأت میگرفت و درست به همین دلیل بود که (ایسرائل، ۱۳۸۰: ۲۴۰). زرتشت در آرزوی شاهی آرمانی بود که بتواند به واسطه او با شهریار دروغ پرست بستیزد: "ای مزدا خواستار کسی هستم که دروغ پرست را از شهریاری بی بهره کند. آن کس از پیشروان زندگی است که راه آیین نیک را بیارد و هموار سازد

(رضایی راد، ۱۳۸۹: ۲۷). در واقع در کنار نقش معنوی پادشاه حضور روحانیون زرتشتی نقشی اساسی در شکل‌گیری و تثبیت دولت در ایران باستان داشته است. روحانیون به دلیل اختیارت گسترده ازسویی و جامعه علاقمند به خلوص دینی و اخلاق ازسوی دیگر به تدریج از چنان قدرتی برخوردار شدند که شاهان را قدرت برکناری آنان نبود، حال آن که، موبدان بزرگ هر زمان که روش شاه را مغایر منافع خویش می‌دیدند، به لطایف الحیل اقدام به برکناری او میکردند. روحانیون به خوبی آگاه بودند که اساس بقای ایرانیت و استقلال مذهبی کشور، دین زرتشتی است، از این رو تعصب ویژه‌ای بر فراگیر ساختن این مذهب در کشور داشتند و همگان را به پیروی از آن فرا می‌خواندند. آنان همه امکانات دولتی را برای پیشبرد اهداف دینی خود بسیج کرده بودند تا جایی که حتی به قلع و قمع مخالفان این آئین هم اقدام می‌کردند (کر یستن سن، ۱۳۶۸: ۵۶۴). شاید به همین دلیل بود که اردشیر در اندرزنامه خود میگوید: "پیشوایی دینی همیشه نیرومندترین دشمن شهریاری است و همان‌ست که می‌تواند نیروی شاه را از دست او بگیرد. چنین پیشوایی، زود در میان مردم یارانی به دست خواهد آورد که به آن بگروند و پیروش شوند." اردشیر برای جلوگیری از بروز این مشکل به نیرنگی اشاره می‌کند که شاهان پیشین به آن دست یازیده‌اند، و آن فاسد نشان دادن انگیزه و آرمان آشوبگران دینی از طریق معرفی ایشان به عنوان بدعت‌گذار بود. در حقیقت، شاهان باید ابزار دین را برضد کسی که از راه دین به آشوبگری برخاسته است به کار برند و با ابزار دین او را نابود سازند تا شاه از شر او آسوده گردد. شاه باید خود را آنچنان هواخواه دین قلمداد می‌کرد که هیچ زاهد یا نیایشگری به پای او نرسد. آفت دیگر شهریاری اجازه فرمانروایی دادن به زاهدان و نیایشکاران است (عباس، ۱۳۴۸: ۳۵-۳۶). راجع به اوضاع ایران در دوره اسکندر و سلوکی‌ها اطلاعات ما کم است آنچه از نوشته‌های مورخین مانند آریان و پولی‌بیوس و غیره استنباط می‌شود از حیث زندگانی و عادات بین ایرانیها و مقدونی‌ها تفاوت زیادی نبوده هردو جنگ و شکار کردن و خوب خوردن و زیاد آشامیدن و بردن غنائم و تعدد زوجات را دوست داشتند (پیرنیا، پیشین، ۱۴۱). در دوران حکومت ساسانیان نیز دین زرتشت از مهمترین و فراگیرترین مذاهب به شمار می‌رفت و روحانیان آن از تاثیرات بسزایی در حکومت برخوردار بودند، اما در برهه‌هایی کوتاه دین مزدکی نیز از اهمیت بسزایی برخوردار شده است که با مخالفت روحانیان زرتشتی از میان رفته است (کر یستن سن، ۱۳۶۷: ۱۳۷).

نقش و جایگاه منابع زرتشتی در اندیشه سیاسی ایران باستان

سرزمین فارس که اردشیر بابکان قیام خود را علیه سلسله اشکانیان از آنجا آغاز کرد، خاستگاه هخامنشیان و مرکز آیینی و سیاسی این امپراتوری عظیم پارسی بود (ایمان‌پور، ۱۹۸۸: ۲۳۲). در زمان قیام اردشیر بابکان بقایای آداب و رسوم کهن در این استان باقی مانده بود و ویرانه‌های تخت جمشید پارس شکوه امپراتوری هخامنشی را زنده کرد (فرای، ۱۳۸۰: ۴۳۶). تصویری کلی از ترکیبات اجتماعی و نظام اداری ساسانی است باید توجه کرد:

اول- خاندان اردشیر بابکان یا خاندان شاهی بود که در رأس طبقات اجتماعی قرار گرفته بود. دوم- خاندان‌های بزرگ و متنفذ اشراف که اغلب آنها از عهد اشکانی نیز مقامات مهم کشوری و لشکری را در دست داشتند مانند خاندان‌های قارن، سورن، اسپهبد، سپندیاد، مهران و زیک که هر کدام سرپرست قسمتی از کشور ساسانی بوده‌اند و شورای سلطنتی از نمایندگان این خاندان‌ها متشکل بوده و این شورا پس از مرگ پادشاه نسبت به جانشین او رأی می‌داده است. سوم- طبقات پنج‌گانه اجتماعی مجموعه‌ای از روحانیان و لشکریان و دبیران و پیشه‌وران و کشاورزان بوده است. چهارم- وجود یک نظام اداری و مذهبی متمرکز مرکب از موبدان موبد و بزرگ فرمذار یا صدراعظم و اران اسپاهبذ و اران دبیربذ و استرپوشان سالار بوده که هر یک در نظامی دارای رأس سازمانی اداری قرار گرفته بودند که بخودی خود قشری از اجتماع را سازماندهی می‌کردند و اساس این تقسیم‌بندی طبقاتی که در عین حال غیرقابل تغییر می‌نموده است که در حقیقت دنباله همان تقسیمات چهارگانه اوستایی است که در زمان ساسانیان با اوضاع و احوال سیاسی کشور وفق می‌داده و بعنوان معیاری برای قشربندی اجتماعی پذیرفته شده بوده و تقسیم‌بندی را بوجود آورند که به نقل از کریستن سن بذكر آنها اشاره شده است (کارنامه اردشیر بابکان، ۱۳۴۲: ۷۴). «آسروان یا اصحاب دین، مردان کارزار یا ارتیشتاران، نویسندگان و اهل قلم یا دویران، عامه مردم (چوپانان و برزگران یعنی واسترپوشان) به پیوست هتخشان یعنی اهل حرفه و شهریان» (کریستن سن، ۱۳۶۸: ۲۶). در فلسفه سیاسی هخامنشیان، اهورامزدا زمین و آسمان را آفریدند و شاهان را شاه بیان داشتند و لذا، گونه‌ای پیوستگی میان اهورامزدا، زمین، آسمان و شاه وجود داشته است. شاه خردمند و فرمند باید در رأس طبقات اجتماعی قرار می‌گرفته و زمین، همه سرزمینهایی را شامل می‌شده که اهورامزدا فرمانروایی آن را به شاه بخشیده بوده است (میرزایی، ۱۳۸۹: ۱۲۵).

در تشکیلات جامعه ساسانی طبقه روحانی رئیس جامعه فرض می شود و طبقه رزمندگان که ضامن بقا و دوام شاهنشاهی ساسانی بودند اهمیت دوم را به خود اختصاص می دادند (نامه تنسر، مقدمه تاریخ طبرستان ابن اسفندیار: ۱۲ تا ۲۵).

نتیجه گیری و پیشنهادها

با نگاهی تحلیلی به تاریخ کهن ایران باستان، در می یابیم که در ایران، اکثر حکومت ها منشأ مذهبی داشته اند. در نتیجه، حاکمیت و دین نزدیک شد و پیوند محکمی بین دین و حکومت شکل گرفت. پادشاهان و حاکمان برای اداره و حفظ نظام اجتماعی کشور به حمایت معنوی روحانیون نیاز داشتند و به همین دلیل برای اعتقادات دینی جامعه و عنصر دین ارزش قائل بودند. بنابراین از ابتدای تشکیل حکومت در ایران، روحیه دینی در حکومت ها متبلور شده است. دولتمردان ایرانی بر خلاف بسیاری ممالک همجوار خود (مثل یونانیان) که دین را جدی تلقی نمی کردند، به باورها و عقاید دینی احترام قائل بودند. ساسانیان، سیاست کشور داری خود را بر مذهب زرتشتی بنیان نهادند و به روحانیون، به عنوان پیشوایان دینی جامعه قدرت فوق العاده ای بخشیدند. موبدان و عناصر دینی در تمام امور زندگی مردم مداخله و نفوذ داشتند و امور عموم جامعه بر اساس نظر آنها ترتیب می یافت و با گسترش فعالیتشان، به تدریج صاحب اموال بسیار شدند و به گروه بهره کش جامعه بدل شدند. اندیشه سیاسی در ایران باستان ناظر به دوران سنتی است؛ از همین رو، سیاست بدون تردید در روایت های اسطوره ای، مذهبی با مبانی اخلاقی و هنجاری بازتاب پیدا می کند. در ایران باستان، پادشاهان از فره ایزدی برخوردار بوده اند، به طوری که تبلور آن در گونه خاصی از تأمل در امر حکومت و تمرکز بر شخص شاه خود را نشان می دهد. در این دوران، سیاست به معنای تبعیت مطلق رعیت از حاکم استوار است و هرگونه نافرمانی و بی تبعیتی، نوعی انحراف دینی و قومی تلقی می شود. اگر به تحولات اندیشه سیاسی بدور از روایت تاریخی و ارزش گذاری های دموکراتیک امروزی به فضای گفتمان سیاسی عصر دولت شاهی گذشته در آریانا نگاه شود، اندیشه شاهی در جهان آن روز و مبتنی بر جهان بینی آن روز هم معقول است و هم کار آمد تلقی می گردید. «در مرکز بحث اندیشه سیاسی فرهی شاه قرار دارد. بدین ترتیب شاه مستبد نیست، زیرا استبداد زیر پا نهادن حق دیگری است». شاه بدون رقیب و به این دلیل بالاترین

مقام آمریت به او واگذار شده است. و داشتن بالاترین اختیار و آمریت عالی به مفهوم داشتن اختیار مطلق نیست؛ نقش وی پدر ملت بودن است و همانطور که پدر قادر نیست خود سرانه فعال ما یشاء باشد. شاه نیز حق ندارد مستبدانه عمل کند. شاه آرمانی همانطور که در اندیشه افلاطون به عنوان فیلسوف شاه قابل قیاس است، در اندیشه سیاسی فرهی نیز قدرت یعنی جوهر سیاست، با آئین و فر، یعنی نماد حقیقت، در آمیخته است. ولی صرف نظر از این مباحث چه عوامل و دلایل نظری و عملی میتوان ارائه نمود که از مستبد بودن، خود کامه بودن و خود کامه عملکردن و ستم روا داشتن شاه ممانعت شده رفتار وی تعدیل گردد. خداوند با تمام قدرت و اختیاری که دارد اما مستبد نیست چون شریک و مانند ندارد زیرا از همه بالاتر است روی همین نماد قدرت برتر ایرانیان نیز از نظر سیاسی چنین مقامی برای شاه قایل بودند، گرچه چنین قیاسی در عمل و حقیقتاً هیچ موضوعیت ندارد. اما سعی در همگونه بودن و نوعی شبیه بودن را در عمل نشان می‌دادند.

الف) محدودیت ساختار فکری: مرکزیت داشتن اندیشه خیمهای مبتنی بر اشته و یا نظم مقدس به سادگی میتواند بر قدرت و خود کامگی شاه تاثیر میگذارد نه تنها همه، یا لاقلاً اکثر مردمان آن زمان، به جهان بینی خیمهای اعتقاد داشتند شاهان نیز قبول داشتند و لذا هیچ یک از شاهان جرأت و جسارت ادعای منیبت را نداشتند.

مرکزیت اندیشه سیاسی نمایندگی یعنی به این مفهوم که هر آنچه فرد دارد مبتنی بر نظم الهی بوده به دلایل مشیت و اراده پروردگار است. حاکمیت اندیشه سیاسی که در آریانای باستان بصورت مقدس یافته بود، و با مفهوم جهان همگون بود و در داخل ساختار آن هر کسی شان و منزلت آن مشخص است و از همه بیشتر شاه نظام سپهری باید حدود و اختیارات سیاسی خویش را درک کند و اختیارات شاه چیزی نبود که شاه از آن بر هوا و هوس خویش استفاده کند.

ب) محدودیت ساختار سیاسی: در اوستا عدم تمرکز و یا پراگندگی شاهی مورد توجه قرار گرفته است. شکل حکومت به طوری که از اوستا دانسته میشود، پراگندگی (ملوک الطوائفی) بود. واحد کوچک تشکیل دهنده جامعه خانواده بود. روسای خانوادها، رئیس ولایت نیز انتخابی بود. چون چندین اقوام در زیر اداره یک شخص واقع میشدند و او را شاه بزرگ میخواندند. از سوی دیگر، عامل جامعه شناختی محدود کننده قدرت شاه این پدیده بود که: اولاً تعریف تفسیر

چارچوب نظری عملاً در اختیار شاه نبود و ثانیاً حوزه قضاوت به تدریج در اختیارات اربابان تخصص با عنوانهای چون «سخنگویان قانون» و «آئین بد» قرار گرفت (تقوی، ۱۳۸۰: ۶).

پ) محدودیت ساختار اجتماعی: تأکید بسیار بر تقسیم کار و خویشکاری اقشار مختلف در نزد هر یک از اقشار به تناسب حوزه کار آنها موجب انباشت قدرت، سرمایه، اطلاعات و امکانات میگردد و همین باعث می‌شد که گاه پادشاه برای حفظ خویش، یا حل و فصل مشکلاتش به آنها متوسل شود. شاه اختیار ندارد خود را بالاتر از آن بداند و به بهای قدرت دنیایی و ثروت آن را تغییر دهد. از طرفی، صرف نظر از بنیاد نظری مبنی بر جهان بینی خیمهای، قدرت طبقات به دلیل جامعه شناختی نیز، که همانا قدرت انباشت شده در هر طبقه باشد، به آن امکان نفوذ و تاثیر می‌دهد و از آنجایی که اندیشه سیاسی و آرمان شهر ریشه در جهان بینی دین زرتشت داشته است، ابزارهای اندیشه سیاسی نیز ریشه در جهان بینی دین زرتشت داشته است. امشاسپندان از ارکان جهان بینی زرتشتی بوده که علاوه بر توانمندی دینی دارای کارکرد سیاسی نیز هستند و در این میان، وهومنه، اردیبهشت و شهرپور دارای جایگاه ویژه‌ای به دست آوردند. وهومنه یا خرد نیک، اردیبهشت و اشه یا نظم و هماهنگی نیک و درست و شهرپور قدرت و سلطنت اهورایی مؤلفه‌های آرمان شهر زرتشتی بوده‌اند. شهرپور با بهمن و اردیبهشت، سه گانه‌ای بنا می‌نهند که آرمان شهر زرتشتی را تبیین می‌نماید.

بنیادی ترین نظریه سیاسی تاریخ ایران که هیچ گاه دچار افت نشده و در تمام ادوار تاریخی ایران به نوعی ادامه داشته که نظریه «ایران‌شاهی» بوده است. این نظریه، حاکم و یا به طور دقیق «شاه» را بنیادی ترین نیروی عرصه سیاسی ایران باستان می‌داند و کل امر سیاسی را در جامعه پیرامون او سامان‌دهی می‌نماید. باید یادآوری نمود که مراد از شاه در این مقاله، نظام شاهنشاهی آغشته به فساد و انواع آلودگی‌های دوره‌های اخیر نیست، بلکه منظور آن شاه آرمانی بوده است که خصلت‌های اصلی او در تاریخ اسطوره‌ای ایران در قالب روح و اندیشه نیکو، نظم و راستی، اقتدار و عظمت، اخلاص و رضایت، رشد و کمال، جاودانگی و تداوم تصریح نموده است. اصالت شهرپوری متعلق به اهورامزدا است و اهورامزدا می‌تواند شهرپاری را به هر فردی که خرد یا خرد نیکو داشته باشد و پیرو واقعی آتش باشد عطا کند. شهرپاری در مدینه فاضله زرتشتی با پیوستن به شهرپور مشروعیت و قداست می‌یابد و شهرپاری خرد و خز که مطابق آتش رفتار می‌کند، شهرپاری یا آرمان شهر مورد نظر را ایجاد می‌کند؛ از این رو شهرپور در جهان مینوی نماد

شهریاری بهشتی و آرمانی است و در عالم مادی نمادی شاهانه است که مطابق با خواست اهورامزدا بر بدی‌ها چیره می‌شود و فقرا و درماندگان را در نظر می‌گیرد. در مجموع مشروعیت مردمی و تأیید مردم، سازوکار مشخصی نداشت و تنها تأیید ساده و ظاهری بود که بعد از پیروزی اردشیر به دست می‌آمد. ساسانیان به سبب قرائت‌های سیاسی از دین و انحراف از آیین زرتشت، چنان‌که جنبش‌های مزدکیه و مانویه هم در این زمینه شکل گرفت و همچنین جنگ‌های متعدد و ضعف بنیه دفاعی و نظامی، رواج خرافه‌گرایی و از دست دادن مشروعیت سیاسی، با نخستین حمله قوای هم‌پسته عرب از هم پاشید. شهریاری و سلطنت که بر پایه نظم و اخلاق استوار است، نمونه‌ای دنیوی، مقدس و مشروع از شهریاری مینوی و آرمان اهورامزدا است.

فهرست منابع

- آ. گراتوسکی و دیگران، (۱۳۵۹)، تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، ترجمه: کیخسرو کشاورزی، تهران: انتشارات پویش، چاپ اول.
- آذرگشسب، فیروز، (۱۳۸۳)، ترجمه و تفسیر گاتها سروده‌های زرتشت، تهران: فروهر.
- آموزگار، ژاله، (۱۳۸۶)، تاریخ اساطیری ایران، تهران: سمت.
- آموزگار، ژاله و احمد تفضلی، (۱۳۷۰)، اسطوره زندگی زرتشت، تهران: کتابسرای بابل.
- آموزگار، ژاله و احمد تفضلی، (۱۳۸۶)، دینکرد پنجم، چاپ اول، تهران: انتشارات معین.
- آورزمانی، فریدون، (۱۳۹۷)، آیین مهر در اسطوره و تاریخ و سیر تحول آن در شرق و غرب، فصلنامه هنر و تمدن شرق ۶(۲۲): ۱۲۱-۱۴۹.
- احمدوند، شجاع و احمدرضا بردبار، (۱۳۸۸)، مبانی دینی دولت در ایران باستان از دوره اساطیری تا دولت هخامنشی، فصلنامه دولت پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۵(۱۹): ۴۵-۹۰.
- اوستا، (۱۳۹۱ ش)، ترجمه و پژوهش هاشم رضی، تهران: انتشارات بهجت.
- ایسرائل، ژرا، (۱۳۸۰)، کورش بزرگ بنیادگذار امپراطوری هخامنشی، ترجمه مرتضی ثاقب‌رای، تهران: ققنوس.
- ایمان‌پور، محمدتقی، (۱۳۷۰)، «رویارویی مانی با زرتشتیگری»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد، ۲(۲۲): ۱۴۵-۱۹۰.
- ایمان‌پور، محمدتقی، (۱۳۷۱)، «مبانی نفوذ و مقام روحانیون زرتشتی در دوره ساسانی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی فردوسی مشهد ۲۵(۲): ۱-۲۵.
- ایمان‌پور، محمدتقی، (۱۳۶۹)، «نقش روحانیان زرتشتی در تقویت حکومت ساسانی و دیانت زرتشتی»، فصلنامه مطالعات تاریخی، ۲(۲): ۱۲-۲۴۵.

- بشیریه، حسین، (۱۳۸۰). جایگاه منافع ملی در سیاستگذاری داخلی ایران، مطالعات راهبردی، ۱۱(۱۲): ۶۷-۷۳.
- بورکیت، فرانسیس کراوورد، (۱۴۰۱)، دین مانویان، ترجمه: سید سعیدرضا منتظری، تهران: انتشارات ثالث.
- بویس، مری، (۱۳۷۴)، تاریخ کیش زرتشت، ترجمه: همایون صنعتی زاده، تهران: توس.
- بویس، مری، دیگران، (۱۳۸۸)، جستاری در فلسفه زرتشتی، مترجمان سعید زارع و دیگران، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- بهار، مهرداد، (۱۳۷۶)، جستاری چند در فرهنگ ایران. تهران: انتشارات فکر روز.
- بهار، مهرداد، (۱۳۶۹)، بندهشن. تهران: انتشارات اساطیر.
- بهپهانی، امید، (۱۳۸۴)، در شناخت آیین مانی، تهران: بندهش.
- بیات، عزیزالله، (۱۳۸۴)، تاریخ تطبیقی ایران با کشورهای جهان، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم.
- پلوتارخ، (۱۳۸۰)، ایرانیان و یونانیان به روایت پلوتارخ، ترجمه: احمد کسروی، تهران: انتشارات جامی.
- پورداد، ابراهیم (۱۳۷۷)، یشتها، تهران: اساطیر.
- پورداد، ابراهیم (۱۳۸۷)، یسنا، تهران: اساطیر.
- پورداد، ابراهیم (ترجمه و تصحیح). (۱۳۱۰). یشتها. چاپ بمبئی.
- پیرنیا، حسن و عباس اقبال، (۱۳۸۰)، تاریخ ایران از آغاز تا انقراض سلسله قاجاریه، تهران: انتشارات خیام، تفضلی، احمد، (۱۳۷۶)، تاریخ و ادبیات ایران پیش از اسلام. به کوشش ژاله آموزگار. چاپ نهم، تهران: انتشارات سخن.
- تقوی، سیدمحمدناصر، (۱۳۸۰). تاثیر انواع مشروعیت در مشارکت سیاسی، حکومت اسلامی، ۶(۲): ۱۴-۳۱.
- جونز و. ت، (۱۳۶۲)، خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه علی رامین، ج ۲، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم
- دربایی، تورج، (۱۳۸۳)، شاهنشاهی ساسانی. ترجمه مرتضی ثاقب فر. تهران: انتشارات ققنوس.
- دلپذیر، زهرا، محمد بهنام فر، محمد رضا راشد محصل، (۱۳۹۶)، بررسی تطبیقی مفهوم خرد در اندرزه‌های دینکرد ششم و شاهنامه فردوسی، مجله متن شناسی ادب فارسی، ۴(۹): ۳۶-۵۹.
- دورانت، ویل، (۱۳۷۶)، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، ع. پاشایی و امیرحسین آریا نپور، تهران: علمی و فرهنگی
- دوستخواه، جلیل، (۱۳۷۰)، اوستا، ج ۱، تهران: مروارید.
- دوستخواه، جلیل، (۱۳۷۷)، اوستا، تهران: گلشن و مروارید.
- دیاکونوف، میخائیل، (۱۳۸۲)، تاریخ ایران باستان. ترجمه روحی ارباب. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- راشد محصل، محمدتقی (مصحح)، (۱۳۸۹)، دینکرد هفتم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- راوندی، مرتضی، (۱۳۸۲)، تاریخ اجتماعی ایران، چاپ دوم تهران: انتشاران نگاه.
- رجایی، فرهنگ، (۱۳۹۰)، تحول اندیشه‌ی سیاسی در شرق باستان، تهران: قومس.
- رضایی، مهدی، (۱۳۸۳)، آفرینش و مرگ در اساطیر ایران، چاپ اول، تهران: اساطیر.

- رضایی راد، محمد، (۱۳۸۹)، مبانی اندیشه سیاسی در خرد مزدایی، چاپ دوم. تهران، انتشارات طرح نو.
- رضایی، عبدالعظیم، (۱۳۸۸)، اصل و نسب دین های ایرانیان، چاپ نهم، تهران: دور
- رضی، هاشم، (۱۳۸۴)، دین و فرهنگ ایرانی پیش از عصر زرتشت. تهران: انتشارات سخن.
- رئیس نیا، رحیم، (۱۳۶۸)، آذربایجان در سیر تاریخ ایران از آغاز تا اسلام. ج ۱ و ۲. تبریز: انتشارات نیما.
- زرشناس، زهره، (۱۳۸۴)، میراث ادبی روایی در ایران باستان. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سایکس، سرپرسی، (۱۳۸۰)، تاریخ ایران، ترجمه سیدمحمدتقی فخر گیلانی، چاپ هفتم، تهران: انتشارات افسون.
- سرافراز، فرشید، (۱۳۸۱). مفهوم مشروعیت و رهیافتهای گوناگون نسبت به آن، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ۱۷۷(۱۷۸): ۴۵-۶۱.
- طباطبایی. سید جواد، (۱۳۷۲). درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران. تهران: کویر.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۶۳). تاریخ الرسل و الملوک. ج ۲، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی در تهران .
- عالم، عبدالرحمن، (۱۳۷۳)، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی.
- عباس، احسان، (۱۳۴۸)، عهد اردشیر، ترجمه محمدعلی امام شوشتری، تهران: انجمن آثار ملی.
- عرب گلپایگانی، عصمت، (۱۳۸۸)، اساطیر ایران باستان، جُنگی از اسطوره ها و اعتقادات در ایران باستان، چاپ دوم، تهران: نشر هیرمند.
- فرای، ریچارد نلسون، (۱۳۸۰)، تاریخ باستانی ایران. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- فرخ مرد بهرامان، (۱۳۹۱)، مادیان هزار دادستان، ترجمه سعید عریان، تهران، علمی، چاپ نخست.
- فره وشى بهرام (۱۳۷۴)، ایرانویج، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران .
- فره وشى، بهرام، (۱۳۸۸)، جهان فروری، تهران: فروهر.
- قاسمی، ابوالفضل، (۱۳۵۷)، سیر الیگارشى در ایران (از گوماتا تا کودتا). تهران: ققنوس..
- قدیانی، عباس، (۱۳۸۱)، تاریخ ادیان ومذاهب در ایران، تهران: فروهر.
- کاپلستون، فردریک (۱۳۶۲)، تاریخ فلسفه، ترجمه‌ی جلال‌الدین امیراعلم، تهران، سروش.
- کریستین سن، (۱۳۶۸)، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، چاپ ششم. تهران، انتشارات دنیای کتاب.
- کریستین سن، آرتور، (۱۳۹۶)، نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایران، ترجمه زاله آموزگار و احمد تفضلی، چاپ ششم. تهران، نشر چشمه.
- گیرشمن، (۱۳۲۲)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه ی آقای دکتر معین: تهران، انتشاران امیرکبیر.
- لیپست، سیمور. م. (۱۳۸۱)؛ مشروعیت و کارآمدی، مجله‌ی فرهنگ و توسعه، ۱۸(۵): ۱۴۱-۱۶۳.
- ماهیار نوابی، یحیی، (۱۳۴۰). «واژه‌های چند از آذرباد مارسپندان»، نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز، ۱۳(۵۷): ۱۱-۳۰.

- مبلغی آبادانی، عبدالله، (۱۳۷۳)، تاریخ ادیان و مذاهب جهان، منطلق (سینا)، قم.
- مسعودی، ابوالحسن علی ابن حسین، (۱۳۶۷)، مروج الذهب. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: علمی فرهنگی.
- مسعودی، ابوالحسن علی ابن حسین، (۱۳۶۷ب)، التنبیه والاشراف. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: علمی فرهنگی
- مشکور محمد جواد، (۱۳۶۳)، ایران در عهد باستان، تهران، انتشارات اشرفی، چاپ چهارم .
- مشکور، محمد جواد، (۱۳۶۳)، ایران در عهد باستان، اشرفی، تهران.
- مشکور، محمد جواد، (۱۳۷۵)، نظری به تاریخ آذربایجان. تهران: انتشارات کهکشان.
- موحد، صمد، (۱۳۸۴)، نگاهی به سرچشمه‌های حکمت اشراق و مفهوم بنیادین آن، تهران: انتشارات طهوری.
- مهر، فرهنگ، (۱۳۸۰)، دیدی نواز دینی کهن، تهران: جامی.
- مینوی، مجتبی (مصحح). (۱۳۵۴). نامه تنسر به گشنسب. تهران: خوارزمی.
- مینورسکی، ولادیمی، (۱۳۷۸)، نام‌های جغرافیایی و ریشه‌های تاریخی آن‌ها در آروپاتن (ماد). ترجمه رقیه بهزادی. تهران: انتشارات پژوهنده.
- نژاد اکبری، مریم، (۱۳۸۶)، شاهنشاهی ساسانی. ویراسته مهدی افشار. تهران: نشر کتاب پارسه.
- نصرالله‌زاده، سیروس، (۱۳۸۵). کتیبه‌های پهلوی کازرون. تهران: انتشارات کارزونی.
- نفیسی، سعید، (۱۳۴۸). بابک خرم‌دین دلاور آذربایجان. تهران: ناشر کتابفروشی فروغی.
- نلدکه، تتودور، (۱۳۵۸). تاریخ ایرانیان و عربها. (تاریخ طبری). ترجمه عباس زریاب خویی. تهران: انتشارات انجمن ملی.
- واندنبیرگ، لویی، (۱۳۴۵)، باستان‌شناسی ایران. ترجمه: عیسی بهنام. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- وبر، ماکس، (۱۳۶۸)، مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی احمد صدرایی، تهران، دانشگاهی.
- ورمازرن، مارتین، (۱۳۹۰)، آیین میترا. ترجمه بزرگ نادرزاده. تهران: چشمه.
- وکیلی، سید اسماعیل، (۱۳۶۲)، آذربایجان پیش از تاریخ و پس از آن. ج ۱. تهران: انتشارات توس.
- وینست، اندرو، (۱۳۷۱)؛ نظریه‌های دولت، ترجمه‌ی حسین بشیریه، تهران، نی.
- هرتسفلد، (۱۳۵۴)؛ تاریخ باستانی ایران بر بنیاد باستان شناسی، ترجمه علی اصغر حکمت، انتشارات انجمن آثار ملی.
- هینلز، جان راسل، (۱۳۸۳)، شناخت اساطیر ایران. ترجمه محمدحسین باجلان فرخی. تهران: اساطیر.
- یارشاطر احسان، (۱۳۷۳)، تاریخ ایران؛ از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی (ج ۳) ترجمه حسن انوشه، چاپ دوم. تهران، انتشارات امیر کبیر
- یارشاطر، احسان، (۱۳۷۷)، تاریخ ایران. کمبریج. ج ۳. قسمت دوم. ترجمه حسن انوشه. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- Potts, D. T. (2007). Foundation houses, fire altars and frataraka: Interpreting the iconography of some post-Achaemenid Persian Coins. *Iranica antiqua*, 42, 271-300.

